

دست‌نویس‌ت ۳۰

(روایت کامه بهره)

بخش دوم نیک‌نامه‌ی مورخ ۸۹۶ یزدگردی

www.ketab.ir

به تصحیح و توضیحات

دکتر محمود طاووسی - دکتر رحیم کلهر

عنوان و نام پدیدآور : دستنویس ت ۳۰ (روایت کلمه بهره) / آشه‌ریار اردشیر ایرج رستم ایرج -
و دیگران؛ به تصحیح و توضیحات محمود طاووسی، رحیم کلهر.
مشخصات نشر : تهران: نشر برسم، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۵۳۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۶۱-۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
یادداشت : شه‌ریار اردشیر ایرج رستم ایرج، گیو اسفندیار گیو کاتبان بخش اولو گیو
اسفندیار گیو، خسرو رستم جمشید گیو کاتبان بخش دوم کتاب هستند.
یادداشت: کتاب‌نامه: ص. ۵۳۲-۵۳۷.
موضوع : زردشتی
Zoroastrianism
ادبیات پهلوی
Pahlavi literature
شناسه افزوده: : طاووسی، محمود، ۱۳۱۶ - مصحح
شناسه افزوده: : کلهر، رحیم، ۱۳۵۴ - مصحح
رده‌بندی کنگره: BL۱۵۷۱
رده‌بندی دیویی: ۲۹۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۴۱۷۷۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

www.ketab.ir

دستنویس ت ۳۰ (روایت کلمه بهره)

- تصحیح و توضیحات: دکتر رحیم کلهر، دکتر محمود طاووسی
- ناشر: نشر برسم
- چاپ نخست: بهار ۱۴۰۳
- تیراژ: ۱۰۰ نسخه

برسم

نشر برسم

دفتر: تهران، میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان فروزی
پلاک ۶۶، طبقه اول
تلفن: ۷۷۲۰۷۰۹۲ هم‌راهِ ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۳

نشر برسم

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

بقیه حقوق و مجازات کتاب محفوظ است.

ISBN: 9786227138610



9 786227 138610

فهرست مطالب

صفحه	فصل
۹	پیشگفتار.....
۱۳	مقدمه.....
۲۶	فصل نخست: تفسیری بر ذکر «اَئِیْم وَهُوَ».....
۳۲	فصل دوم: شرح بخشی از سوره شید نایش.....
۳۹	فصل سوم: تعداد «اهونور»های هر آفرینگان و شاخه‌های برسم هر یزشن.....
۴۱	فصل چهارم: برش نوم.....
۴۳	فصل پنجم: مینوی خرد.....
۵۸	فصل ششم: بیست و یک نسک اوستا.....
۶۵	فصل هفتم: روز خرداد ماه فروردین.....
۷۰	فصل هشتم: هفت ساخته‌ی شگفت جمشید در پارس که اسکندر ویران ساخت
۷۳	فصل نهم: علمای اسلام.....
۸۸	فصل دهم: تفسیر ذکر «یثا اهو ویریو».....
۸۸	دییاجه.....
۸۹	تفسیر ذکر یثا اهو ویریو.....

۹۴	نام‌های هرمزد.....
۹۷	دنباله‌ی تفسیر ذکر یثا اهو ویریو.....
۱۲۳	فصل یازدهم: داستان‌هایی درباره‌ی نوشیروان شاه:.....
۱۲۳	داستان نشستن انوشیروان عادل.....
۱۲۵	حدیث فرخ‌نامه که یونان دستور به انوشیروان نوشت.....
۱۴۰	آغاز داستان مرغوزن مر انوشیروان عادل.....
۱۴۸	فصل دوازدهم: نظم ذکرهای اوستایی «خشنه اُتره»، «اشم و هو»، «فرورانه»، «پنج گاه فرورانه»، «هرمزد باج»، «یثا اهو»، «ینگه هاتام» و «یسمنجه»
۱۵۲	فصل سیزدهم: ارداویراف‌نامه‌ی مشور.....
۱۹۴	فصل چهاردهم: نامه‌ی به‌دینان ایران به دستوران هندوستان.....
۲۰۰	فصل پانزدهم: صد در پندش.....
۳۰۰	فصل شانزدهم: مار نامه به نظم.....
۳۰۲	فصل هفدهم: احکام جاماسب.....
۳۰۲	جاماسب‌نامه.....
۳۱۸	سخنی چند از احکام جاماسب.....
۳۲۴	فصل هجدهم: صد در نظم.....
۴۳۰	فصل نوزدهم: پرسش و پاسخ درباره‌ی موضوعات دینی مختلف.....
۴۶۳	فصل بیستم: وجری چند از دین به مازدیسنان.....
۵۰۵	فصل بیست و یکم: صدر در نثر.....
۵۲۰	فصل بیست و دوم: پیت.....
۵۳۲	منابع.....

یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین دست‌نویس‌های ادبیات فارسی به‌زیان زرتشتی، دست‌نویس شماره‌ی T۳۰ می‌باشد که در کتابخانه‌ی دستور مهرجی رانا نگهداری می‌شود. این مجموعه ۲۴۲ برگ دارد که از نظر الفبای به کاررفته در آن، به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش نخست به الفبای اوستایی از آغاز تا برگ ۱۰۶ پ و بخش دوم به الفبای فارسی از برگ ۱۰۷ پ تا پایان. اندازه‌ی نسخه ۲۱/۶×۱۵/۸ سانتی‌متر و در هر برگ ۲۵ سطر نوشته شده‌است. این نسخه را دستور رستم‌جی کیقبادجی دستور مهرجی رانا به کتابخانه اهدا کرده‌است.

کاتبان بخش اول، شهریار اردشیر ایرج رستم ایرج و گئو اسفندیار گئو و کاتبان بخش دوم، گئو اسفندیار گئو و خسرو رستم جمشید گئو می‌باشند. این کاتبان یزدی نسخه را در سال ۸۹۶ یزگردی کتابت می‌نمایند که توسط شاپور آسا به هندوستان برده می‌شود و بعدها به روایت کامه بهره شهرت می‌یابد.

هرچند بخش‌هایی از متن به‌طور پراکنده توسط داراب هرمزدیار و دیگران چاپ شده‌است، کتاب حاضر برای نخستین بار کل متن را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

پیشگفتار

روایات فارسی داراب هرمزدیار، هرچند از نظر محتوا کتاب ارزشمندی است، به‌ویژه از آن نظر که کلیه مکاتبات زرتشتیان ایران به هم‌کیشان هندی است، دارای ارزش فراوان است، جز نام روایات بر آن که اسم بی‌مسامی است، زیرا واژه‌ی روایات عربی است و اصولاً اطلاق آن به نوشته‌های فارسی زبانان زرتشتی بی‌معنی به‌نظر می‌رسد.

در هر صورت مجموعه نوشته‌های مندرج در کتاب مزبور مربوط به سال‌های ۸۷۴ تا ۱۱۴۲ یزدگردی است^۱ که اساسی‌کن نویسنده‌ی کتاب قرار گرفته است. لکن چگونگی این نوشته‌ها که از سوی ایرانیان بهدین به هندیان هم‌کیش فرستاده شده به چه سبب پس از سال‌ها که از سفر زرتشتیان از ایرن به هند می‌گذشته آغاز شده است، این بوده که در سال ۸۴۶ یزدگردی/ ۸۸۲ قمری/ ۱۴۷۷ میلادی یکی از زرتشتیان هند که نریمان هوشنگ بروچی نام داشته به ایران آمده و چون شنیده بوده که انجمن بهدینان یزد هنوز صاحب‌نظر اصلی کیش او هستند به یزد می‌رود و خود را به بهدینان ایرانی معرفی می‌کند (داراب هرمزدیار، ۱۹۲۲: ج ۲: ۳۸۰-۳۸۲).

تا آن روز ظاهراً بهدینان ایرانی آگاه نبوده‌اند که جمعیت بزرگی از آنان ساکن هند هستند (همان، ۳۹۱). نخست بهدینان یزدی وی را با تردید می‌نگریستند لکن باگذشت روزها و ماه‌ها وی را با این شرط که مراسم لازم را از قبیل انجام برش‌نوم و دیگر آموزه‌های

^۱ - تاریخ یزدگردی مد نظر در این کتاب برابر با سال به تخت نشستن یزدگرد سوم، آخرین شاهنشاه ساسانی است که برابر با سال دهم هجری / ۶۳۱ میلادی می‌باشد، به عبارتی سال یزدگردی ده سال کمتر از سال خورشیدی است.

دینی را در وی بیازمایند، وی را به بهدینی با خود پذیرفتند. او در مجمع زرتشتیان یزد آگاه شد که آنان بسیاری از دستورهای دینی را بهتر از موبدان هندی آگاهند و بدین طریق پس از بازگشت وی به هندوستان روحانیون زرتشتی هند در مواردی که اشکال داشتند سوالاتی را از پیشوایان زرتشتی ایران می‌نمودند و بدین طریق رفت و آمدی بین آنان و ایرانیان یزدی آغازگردید و مجموعه‌ی این مکاتبات، اصل و ماخذ کتاب داراب هرمزدیار قرار گرفته‌است. آخرین پرسش‌هایی که از سوی هندیان از ایرانیان انجام گرفته مربوط به سال ۱۱۴۲ یزدگردی است (پتواله ۲۵۳۶، ۳-۹) به نقل از دالوند، (دالوند، ۱۳۹۴: ۱۷۹).

مجموعه‌ی این نامه‌ها از سده یازده یزدگردی مورد بررسی و طبقه بندی موضوعی، تدوین و سازمان‌دهی شدند. برزو قوام الدین یا کامدین، برادر زاده‌اش هرمزدیار فرامرز و نیز داراب پسر هرمزدیار نخستین پردازندگان روایات بودند، این مکاتبات را از حدود سال ۸۴۶ یزدگردی/ ۸۸۲ قمری/ ۱۴۷۷ میلادی می‌دانند که به ترتیب زیر روانه‌ی هندوستان شده‌اند (هودی‌والا، ۱۹۲۰: ۲۷۶-۳۴۹ نیز دالوند، ۱۳۹۴: ۱۸۰ نیز دالوند، ۱۳۹۹: ۱۲۷-۱۹۹):

۱- روایت نریمان هوشنگ

۲- روایت سال ۸۸۰ ی یا روایت فرخ‌بخش نوروز فریراز و دیگران

۳- روایت سال ۸۸۵ ی یا روایت جاسا.

۴- روایت اسفندیار سهراب

۵- روایت یا نیک‌نامه‌ی شاپورآسا در ۸۹۶ ی که اصل این مکاتبه همین کتابی است که با شماره‌ی اختصاصی T30 معروف است و دست‌نویس‌ها یا رونوشت‌هایی از آن نیز در کتابخانه‌های هند و جاهای دیگر وجود دارد و نسخه این T30 یا کتاب حاضر جزو مجموعه‌ی کتابخانه مهرجی رانا^۱ نوساری^۲ می‌باشد که اساس کار ما در این نوشته است.

۶- روایت یا مکاتبه اسفندیار یزدیار و رستم کمباینی مورخ ۹۰۴ ی می‌باشد.

^۱ - Meherji Rana

^۲ - Navsari

- ۷- روایت یا مکاتبه شاپور مورخ ۹۲۸ ی است.
 - ۸- روایت کاووس کامدین حدود ۹۳۹ ی است.
 - ۹- روایت فریدون مرزبان مورخ ۹۴۹ ی/۱۵۸۰م است.
 - ۱۰- نامه به دستوران بهروج حدود سال ۹۴۹ ی است.
 - ۱۱- نامه به دستور کامدین پدم در بهروج سال ۹۶۷ ی می‌باشد.
 - ۱۲- روایت کاووس ماهیار ۹۷۰ ی.
 - ۱۳- روایت بهمن اسفندیار ۹۹۶ ی.
 - ۱۴- نامه به دستور کامدین پدم در ۱۰۰۵ ی.
 - ۱۵- نامه‌ی اسفندیار رستم کرمانی به بهدینان سورت، بهروج و نوساری سال ۱۰۰۵ ی.
 - ۱۶- دو نامه به بهروز و کامدین؛ یکی در ۱۰۱۹ ی و دیگری حدود ۱۰۲۲ ی.
 - ۱۷- نامه به دستور رستم پشتون و پسران، ناهانه بهای درباره‌ی دخمه‌ی نوی سورت و انتقال جنازه ناهانه بهای به دخمه‌ی نو، حدود ۱۰۳۷ ی.
 - ۱۸- نامه‌ی دستوران کرمان به دستوران سورت، معروف به مکتوب سورتیه ادهاروان در سال ۱۰۵۰ ی.
 - ۱۹- نامه‌ی دستوران ترک آباد و شرف آباد و اصفهان به دستوران بروچ، نوساری و کمبایت در ۱۰۵۰ ی.
 - ۲۰- نامه به دستور جاماسب آسا یا روایت جاماسب آسا، حدود سال ۱۰۹۰ ی.
 - ۲۱- نامه‌ی دستوران یزد و کرمان در پاسخ نامه‌ی موید کاووس و داراب سهراب ۱۱۱۳ ی.
 - ۲۲- نامه‌ای از کرمان به مانکجی نوروزجی رستم‌جی ست، حدود سال ۱۱۱۸ ی.
 - ۲۳- نامه‌ی دستور داراب سهراب در ۱۱۳۸ ی.
 - ۲۴- روایت ایشوتر در ۱۱۴۲ ی.
- درباره‌ی هر یک از عنوان‌های بالا آقای دکتر دالوند توضیحات مفصلی نگاشته و مآخذ و محل نگهداری هر یک از نامه‌ها را در کتابخانه مربوط و نیز چاپ‌های نوشته‌ها و مقالاتی

که هندیان یا اروپاییان در این باره نگاشته‌اند را به‌طور کامل توضیح داده‌اند (دالوند، ۱۳۹۴: ۱۷۷-۲۳۳ نیز دالوند، ۱۳۹۹: ج ۲، ۱۲۷-۱۹۹).

www.ketab.ir

مقدمه

دست‌نویس T30 یا T۱۰ همان نوشته یا به قول داراب هرمزدیار روایتی است که در سال ۸۹۶ یزدگردی از ایران به هند برای هم‌کشیان زرتشتی ارسال گردیده‌است و چنان که دالوند می‌نویسد: داراب هرمزد و پدرش صورت کامل روایت ۸۹۶ را به‌طور یکجا در آثار خود نیاورده‌اند (دالوند، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

اصل روایتی که از ایران برده شده به شماره‌ی T30 در کتابخانه‌ی مهرجی رانا^۱ نگهداری

^۱- کتابخانه‌ی دستور مهرجی رانا بیش از ۱۵۴ سال است که به‌طور مستمر تا به امروز به مردم نوساری، واقع در ایالت گجرات در غرب هند و همچنین جامعه‌ی پارسی و علمی خدمت می‌کند. این کتابخانه در سال ۱۸۷۲، توسط یک موبد پارسی ثروتمند به نام «نوساری والا ست بورجور بهمن‌جی پادام» (Navsariwala Seth Burjor Bamanji Padam)، با ساختن ساختمانی در زمین‌های خود به نام لاکاد فالیا (Lakkad Falia) و با سرمایه‌ای معادل ۲۲۵ روپیه تاسیس و بنام دستور مهرجی رانا نام‌گذاری شد.

مهرجی رانا یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ پارسیان هند می‌باشد که در سال ۱۵۳۴ میلادی (۹۰۵ یزدگردی)، در خانواده‌ای روحانی بنام «کاکا پهلان پل» (Kaka Pahan pol) متولد شد. این پسر را «مهیاری» پسر «رانا جنگ» (Rana Jesang) نامیدند و به مهیار (مهرجی) رانا معروف شد. مهرجی رانا، به دلیل تقوا و دانش خود مشهور و شهرت او بسیار گسترده بود، به‌طوری که توسط فرماندار مغول در سورات انتخاب شد تا برای توضیح دین زرتشتی

می‌شود. تنها دابار^۱ توصیفی از آن به دست می‌دهد (دابار، ۱۹۲۵: ۱۱۸-۱۲۰).

این روایت بنابر توضیحاتی که درباره‌ی آن نوشته‌اند و بخش فارسی نسخه حاضر که عکس آن از کتابخانه مهرجی رانا اخذ شده، اصلاً از صفحه ۱۰۷ شروع گردیده و این نشان دهنده‌ی آن است که نسخه مزبور نیمی از اصل روایت است و از صفحه ۱ تا ۱۰۷ آن در نسخه‌ی اصلی ما نیست و به‌طوری که دابار می‌نویسد؛ بخش اول یعنی تا روی صفحه ۱۰۶ به الفبای اوستایی نوشته شده‌است و از آن صفحه تا پایان کتاب به خط فارسی و برخی عبارات و نیز بخشی از نامه‌ی بهدینان ایران به دستوران هندوستان به خط اوستایی و پهلوی است (همان). تصاویری از متن دست‌نویس در صفحات ۱۶، ۱۷ و ۱۸ آورده می‌شود.

در پایان بخش اول روایت و صفحه‌های ۱۰۲ - ۱۰۵ انجامه‌ای است که تاریخ نگارش آن را روز دی به آذر ماه بهمن سال هشت‌صد و نود و شش پس از ... یزدگرد شاهنشاه ... نوشتم ... اندر فرخ شهر یزد به دستور... شهریار دستور رستم گویو اسفندیار و در پایان آن نویسنده یا کاتب خود را چنین معرفی می‌کند: من دین بنده شهریار اردشیر ایرج رستم ایرج نوشتم از بهر کشور هندوستان (همان).

چنان که پیش‌تر نوشته شد، نوشته‌ی مورخ ۸۹۶ در روایت دابار هرمزدار به نام روایت شاپور آسا معرفی شده و دالوند می‌نویسد: آورنده‌ی روایت شاپور آسا است ولی به نام روایت کاما آسا؛ یا روایت کاما بهره خمایتی، یا کمبایتی آوازه دارد - در حقیقت کاما آسا و

نزد اکبر شاه حضور داشته باشد. مهرجی رانا در طول اقامت خود در دربار از سال ۱۵۷۸-۹ میلادی، چنان شاه را تحت تأثیر قرار داد که به گفته «عبدالقادر البدائونی» -مورخ دربار مغول-، شاه به وزیر خود ابوالفضل دستور داد تا روز آتش را روشن نگه دارد. قبل از خروج مهرجی رانا از دربار، شاه به او جاگیر (jāgi) یا زمینی اهدا کرد و همچنین ملکی را در منطقه‌ای به نام قلخادی (Ghelkhadi) در نزدیکی شهر مدرن نوساری دریافت کرد. هنگامی که او به نوساری بازگشت، همه دستوران او را به ریاست دستوران نوساری پذیرفتند و برای اولین بار لقب دستور بزرگ (vaqā dastur) به وی اعطا شد. از این رو به اولین دستور مهرجی رانا معروف شد و نسب دستوری را آغاز کرد که تا امروز در خانواده‌ی او ادامه دارد (www.meherjiranalibrary.com/home/history).

^۱ - Dhabahr, B. N.

کاما بهره هر دو یک نفرند، هر چند وست^۱ مطالب آنها را دو روایت جداگانه به شمار آورده است (وست، ۱۹۷۴: ۱۲۶-۱۲۷) ولی مدی^۲ (۱۹۰۳: ۵۹؛ ۱۹۲۲: ۱۴) و هودی والا^۳ (۱۹۲۰: ۲۹۶، ۳۴۳) با تطبیق مطالب منقول از این روایت در داراب و پدرش هرمزدیار با دست‌نویس اصلی به این نتیجه رسیدند که مطالب زیر نام شاپور آسا، کاما آسا، کامه بهره و حتی شاپور بروچی، همه یکی هستند (ویتالونه^۴، ۱۹۸۷: ۹)، (دالوند، ۱۳۹۴: ۱۷۷-۲۳۳)، که زیاد مورد تایید ما قرار نمی‌گیرد.

سپس دالوند می‌افزاید: این روایت بلندترین روایت موجود است و داراب هرمزدیار در موضوعات مختلف به ویژه در جلد اول تا نیمه جلد دوم همه جا عنوان (روایت کامه بهره) را آورده است (دالوند، ۱۳۹۹: ج ۲، ۱۳۶).

در هر صورت مطالعه‌ی این دست‌نویس نشانگر آن است که به‌دینان یزدی یا کرمانی به مراتب آگاهی‌شان از به‌دینان هندی بیشتر بوده، که پیایی از ایرانیان مطالبی را سوال می‌کردند و ایرانیان با گشاده‌رویی آنان را پاسخ می‌گفتند.

موضوع قابل ذکر در اینجا این است که فهرست مطالب موجود در این نسخه -T30- با فهرست مطالب مندرج در مقاله‌ی آقای دالوند تقریباً از نظر موضوعی تفاوتی با هم ندارد، لکن از لحاظ پیایی بودن و عنوان، گاه اختلافاتی با هم دارند. برای آگاهی از مطالب بخش اول و دوم علاقه‌مندان می‌توانند به (دابار، ۱۹۲۵: ۱۱۹-۱۲۰ و دالوند، ۱۳۹۴: ج ۲، ۱۹۱-۱۹۲ نیز دالوند، ۱۳۹۹: ج ۲، ۱۳۶-۱۴۰) مراجع کنند.

^۱ - West, E. W.

^۲ - Modi, J. J.

^۳ - Hodivala, Sh.H.

^۴ - Vitalone, M.

[illegible]

فهرست^۱ مطالب بخش دوم دست‌نویس ت ۳۰ کتابخانه‌ی مهرجی رانا:

فصل	آغاز	پایان
۱. تفسیری بر ذکر «آشم و هو»	پ ۱۰۷؛ س ۱	پ ۱۰۸؛ س ۱۳
۲. شرح بخشی از خورشید نیایش	پ ۱۰۸؛ س ۱۳	ر ۱۱۰؛ س ۱۴
۳. تعداد «اهونور»هایی که در آفرینگان باید سرود و تعداد شاخه‌های برسمی که در یزشن باید باشد.	ر ۱۱۰؛ س ۱۵	ر ۱۱۰؛ س ۲۱
۴. برش‌نوم	ر ۱۱۰؛ س ۲۱	پ ۱۱۰؛ س ۶
۵. مینوی خرد	پ ۱۱۰؛ س ۷	ر ۱۱۴؛ س ۱۵
۶. بیست و یک نسک اوستا	ر ۱۱۴؛ س ۱۶	ر ۱۱۶؛ س ۱۴
۷. روز خرداد ماه فروردین	ر ۱۱۶؛ س ۱۴	ر ۱۱۷؛ س ۱۰
۸. هفت چیز شگفت که جمشید در پارس کرد و اسکندر ویران ساخت	ر ۱۱۷؛ س ۱۱	پ ۱۱۷؛ س ۱۱
۹. علمای اسلام	پ ۱۱۷؛ س ۱۱	پ ۱۲۱؛ س ۲۱
۱۰. دیباچه‌ی تفسیر ذکر «یثا آهو ویریو»	پ ۱۲۱؛ س ۲۱	ر ۱۲۲؛ س ۷
۱۱. تفسیر ذکر یثا آهو ویریو	ر ۱۲۲؛ س ۷	ر ۱۲۳؛ س ۱۳
۱۲. نام‌های هرمزد	ر ۱۲۳؛ س ۱۳	ر ۱۲۴؛ س ۱۵
۱۳. دنباله‌ی تفسیر ذکر یثا آهو ویریو	ر ۱۲۴؛ س ۱۵	ر ۱۳۱؛ س ۱
۱۴. داستان نشستن انوشیروان عادل	ر ۱۳۱؛ س ۲	پ ۱۳۱؛ س ۶
۱۵. حدیث فرخ‌نامه که یونان دستور به انوشیروان نوشت	پ ۱۳۱؛ س ۷	پ ۱۳۵؛ س ۷
۱۶. آغاز داستان مرغوزن مر انوشیروان عادل	پ ۱۳۵؛ س ۷	ر ۱۳۷؛ س ۲۰

^۱ - اختصارات فهرست: رهروی برگه، پ = پشت برگه و س = سطر را نشان می‌دهد.

۱۷. سفید	پ ۱۳۷	
۱۸. نظم ذکرهای «خشنه اُثره»، «اشم و هو»، «فرورانه»، «پنج گاه فرورانه»، «هرمزد باج»، «یثا اهو»، «بنگه هاتام» و «یسنمچه»	ر ۱۳۸؛ س ۱	پ ۱۳۷؛ س ۱۷
۱۹. ارداویراف‌نامه‌ی متشور	پ ۱۳۸؛ س ۱۸	پ ۱۴۸؛ س ۹ مابقی سفید
۲۰. نامه‌ی بهدینان ایران به دستوران هندوستان	ر ۱۴۹؛ س ۱	ر ۱۵۰؛ س ۱۴ مابقی سفید
۲۱. سفید	پ ۱۵۰	
۲۲. ارداویراف‌نامه تکرار	ر ۱۵۱؛ س ۱ تا ۱۱	
۲۳. صد در بندش	ر ۱۵۱؛ س ۱۲	ر ۱۸۳؛ س ۷ مابقی سفید
۲۴. مارنامه به نظم	پ ۱۸۳؛ س ۱	ر ۱۸۴؛ س ۸ مابقی سفید
۲۵. سفید	پ ۱۸۴	
۲۶. داستان نوشیروان و مرغوزن تکراری	ر ۱۸۵؛ س ۱	پ ۱۸۷؛ س ۲۱
۲۷. جاماسب‌نامه	پ ۱۸۷؛ س ۲۲	ر ۱۹۲؛ س ۳
۲۸. سخنی چند از احکام جاماسب	ر ۱۹۲؛ س ۴	پ ۱۹۲؛ س ۲۷
۲۹. سفید	ر ۱۹۳	
۳۰. صد در نظم	پ ۱۹۳؛ بالای صفحه سفید فقط چهار سطر پایین نوشته شده‌است.	ر ۲۱۲؛ س ۳

۳۱. پرسش و پاسخ درباره‌ی موضوعات دینی مختلف	ر ۲۱۲؛ س ۴	پ ۲۱۸؛ سطر اول ماقی سفید
۳۲. دنباله‌ی نامه‌ی بهدینان ایران به دستوران هندوستان	ر ۲۱۹؛ س ۲۰ تا ۲۰۱	
۳۳. وجری چند از دین به مازدیستان	پ ۲۱۹؛ بالا سفید. شش سطر آخر	پ ۲۲۸؛ س ۱۴
۳۴. صدر در نثر	پ ۲۲۸؛ س ۱۵	پ ۲۳۱؛ س ۱۹
۳۵. دنباله‌ی وجری چند از دین به مازدیستان	پ ۲۳۱؛ س ۱۹	پ ۲۳۲؛ س ۸
۳۶. تکرار فصل ۴۰۳	پ ۲۳۲؛ س ۲۰ تا ۲۰۹	
۳۷. جاماسب‌نامه تکراری	ر ۲۳۳؛ س ۱	ر ۲۳۷؛ س ۲۱
۳۸. سخنی چند از احکام جاماسب تکراری	ر ۲۳۷؛ س ۲۲	پ ۲۳۸؛ س ۲. ماقی سفید
۳۹. پتیت.	ر ۲۳۹؛ س ۱	ر ۲۴۲؛ س ۷

ویژگی‌های نگارشی متن

- مصوت «آ» گاهی «ا» و گاهی «آ» می‌نویسد مثلا: «انکه»، «آشتی»
- حرف «ب» را گاهی «پ» می‌نویسد مثلا: «بی» را «پی»، «آبی» را «آپی».
- حرف «پ» را گاهی «ب» و گاهی «ف» می‌نویسد مثلا: «پرهیختن» را «برهیختن»، «سبزگی» را «سبزیگی» و «پالوده» را «فالوده».
- گاهی حرف «ث» را «ت» می‌نویسد مثلا: «پناهو» را «پناهو».
- حرف «ج» را گاهی «ج» و گاهی «چ».
- حرف «د» را گاهی «ذ» می‌نویسد مثلا: «بیاید»، «باشد»

- حرف «ذ» را گاهی «د» می‌نویسد مثلاً: «پذیرفتن»، «گذاشتن».
- حرف «ز» را گاهی «ژ» می‌نویسد مثلاً: «گزاف»، «بی‌مزه».
- حرف «ژ» اغلب «ز» اما گاهی «ج» و گاهی نیز «ز».
- گاهی حرف «ف» را «پ» مثلاً: «فرستاده» را «پرستاده».
- حرف «گ» را «ک» می‌نویسد.
- حرف «ه» غیر ملفوظ معمولاً پیش از «ها» جمع افتاده‌است، مثلاً: «کرفها، چشمها» اما در مواردی نیز حفظ شده است مثلاً: «اندوه‌ها».
- همزه در آخر برخی از کلمات به عنوان کسره‌ی اضافه نوشته شده‌است «تخمه» و گاهی نشانه‌ی «یای-ای» نکره می‌باشد «خانه».
- قاعد یکسانی برای ترکیب واژه‌ها وجود ندارد:
- برخی جدا مثل «راه‌گذریان» و گاهی نیز سر هم مثل «یکگام» نوشته شده‌است.
- حرف اضافه «به» گاهی جدا «به‌یشت» و گاهی سر هم «یگیتی» نوشته شده است.
- ضمیر اشاره این و آن اغلب جداگانه «آن جهان» و گاهی نیز سر هم «درین، بدانجهان» نوشته شده‌است.
- جمع الجمع نیز دیده می‌شود «معجزات‌ها، احوال‌ها».
- گاهی به جای «ی»، «ه» می‌نویسد مثلاً: «بینایی» را «بیناهی» و «کدخدایی» را «کدخداهی».
- سوم شخص فعل ربطی «اند» گاهی سر هم «شادمانند» و گاهی جدا «مشغول‌اند» نوشته شده‌است.
- «الف» در سوم شخص فعل ربطی «است» گاهی اوقات افتاده است «آفتابست»؛ «مردست».
- در ترکیب حرف اضافه‌ی «از» با «ایشان»، «او»، «این»؛ الف ضمیر افتاده‌است مثلاً «ازیشان»، «ازو»، «ازین».
- مصوت کوتاه در بعضی از بخش‌ها نوشته شده‌است.
- تشدید گاهی نوشته شده‌است مثلاً: «مِبراً، اوْل».

- «های جمع را به کلمه می‌چسباند مثلاً «طعامها»، «آفتها».
- پیشوند «می» استمراری را گاهی سرهم می‌نویسد مثلاً: «میشود» و گاهی جدا مثلاً «می‌بیند».

- حرف «را» در مواردی به مفعول می‌چسباند مثلاً: «دیوانرا»، «ویرا».
- گاهی به جای «نه» نفی و «نیست»؛ «نی» می‌نویسد و به جای «که»، «کی».
- گاهی دو حرف همسان در هم ادغام شده‌اند: «بیست تا» را «بیستا».
- گاهی «با» به جای «به» و گاهی «به» به جای «با» می‌نویسد.
- گاهی اسم‌ها و اسم مصدرهای «پاداش، منش، کنش و گُوش» را «پاداشن، منشن، کنشن و گُوشن» می‌نویسد.

گاهی برای یک واژه نویسه‌های مختلفی به کار برده است:

- برای «ریپ‌هوین»، «رپفتن»، «رپفتن»، «رپفن»، «رپفن»، «رپتن»، «رپتن»، «رپتن».

- برای «هیخر»، «هجر»، «هخر»، «هخر»، «هزر».

- برای «دادستان»، «دستان»، «داستان».

- برای «پادیاب»، «پادیاف».

- برای «مرگ‌ارزان»، «مرگ‌ازدان»، «مرگ‌زان».

- برای «خونیرث»؛ «مونرث، خنارث».

- برای «اوستا»، «افستا، افسا، وستا».

- برای «اسفتمان»؛ «اسفندمان، سفتمان».

- برای «سوشیانس»، «سیاوشوش، سیاوشناس، سیاوسیوس، شیاشیوس».

- و برای «راسپی»، «رائفی، راصفی» آورده است.

- گاهی کاتب برای تصحیح یک ترکیب که جا بجا نوشته است بر روی واژه‌ی اول حرف «خ» (سموخر) و بر روی واژه‌ی دوم حرف «م» (مقدم) آورده است، مثلاً: «شهرها عمارت» که روی «شهرها» حرف «م» و روی «عمارت»، حرف «خ» گذاشته است، «عمارت شهرها».
- به جای کلمه‌ی «سوال» از حرف «س» و به جای «جواب» از «ج»، استفاده شده است.

- غلط‌های املائی نیز تصحیح و صورت درست آنها نوشته شده‌است، در زیرنویس هم به نکاتی که لازم بوده اشاره گردیده‌است.

کاتبان متن

کاتبان بخش اول: شهریار اردشیر ایرج رستم ایرج و گیو اسفندیار گیو می‌باشند. آنها در نیمه‌ی اول قرن نهم یزدگردی تولد یافته‌اند. روایت سال ۹۰۴ ی آنها را اهل یزد معرفی کرده‌است در این روایت شهریار اردشیر لقب دستوری دارد اما از گیو اسفندیار بنام بهدین یاد شده‌است. (دابار، ۱۹۲۵: ۱۱۹ نیز دابار، ۱۹۳۲: مقدمه ۵۶). نخستین اثری که از آنها نام برده‌است، انجامه‌ی دوم روایت سال ۸۶۵ ی (۱۵۱۶ میلادی) -دینکرد- می‌باشد (مدن، ۱۹۱۱: ج ۲، ۹۵۱-۹۵۲ نیز، وست، ۱۸۹۲: سی و پنج). اثر دیگر این دو کاتب به روایت سال ۹۰۴ ی برمی‌گردد. همچنین گلندر، شهریار ایرج را از کاتبان «وندیداد ساده‌ی ایرانی» -JP1- معرفی نموده است (گلندر، ۱۸۹۶ الف. پنج و شش نیز گلندر، ۱۸۹۶ ب: ۱۵).

کاتبان بخش دوم: گیو اسفندیار گیو و خسرو رستم جمشید گیو می‌باشند. براساس نسب نامه‌ای که دالوند تنظیم نموده‌است، خسرو رستم جمشید گیو، عموزاده گیو اسفندیار گیو معرفی شده‌است. (دابار، ۱۹۲۵: ۱۱۹ نیز دابار نیز دالوند، ۱۳۹۹: ج ۱، ۲۷۶). گیو اسفندیار گیو همان کاتب بخش اول می‌باشد و از خسرو رستم جمشید گیو فقط در این اثر نام برده شده‌است.

روش کار:

- در متن کاتب: در بخش احکام جاماسب، بخش بندی‌هایی جزئی با «حروف ابجد» و در بخش باب‌هایی از صد در ثر، بخش بندی به صورت «باب» و در بخش صد در [نظم]، بخش بندی به صورت «در» انجام داده‌است. مابقی بخش بندی‌ها و پاراگراف‌ها توسط ما انجام شده‌است.

- حرف‌نویسی واژگان اوستایی به روش هوفمان و به‌صورت ایتالیک آمده و واژگان پهلوی به روش مکنزی آوانویسی شده‌اند.
- مطالب بعضی فصل‌ها با جزیی اختلاف تکرار شده‌اند (به فهرست متن مراجعه شود) ما برای پاسداشت طبیعت از آوردن این فصل‌های تکرار شده خودداری نمودیم و موارد اختلاف، با همان عنوان ۲+ در پاورقی‌ها آورده‌ایم.
- برخی از فصل‌های متن دارای عنوان هستند و بعضی نیستند، مواردی که عنوان نداشته‌اند، عناوین آنها در [] آمده‌است. نیز مواردی که به متن اضافه شده‌است در [] آورده‌ایم. شماره برگه‌های متن نیز در [] آورده‌ایم.
- معانی عبارات و واژگان در «» آمده‌است.
- برخی واژه‌ها که در متن با جوهر سرخ نوشته شده، در این چاپ با حروف تیره‌تر- برجسته- نشان داده شده‌است.
- بعضی واژگان توسط کاتب معنی شده‌است و ما از ذکر معنی آنها صرفه‌نظر کرده‌ایم.

کوتاه نوشت‌ها:

او= اوستایی

په= پهلوی

ر= روی صفحه

پ= پشت صفحه

ی= یزدگردی